

عنوان مقاله:

آیا عرفان نظری ممکن است؟

محل انتشار:

دوفصلنامه حکمت اسرا، دوره 3، شماره 2 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

محمد فنایی اشکوری

خلاصه مقاله:

عرفان نظری از علومی است که در حدود قرن هفتم هجری در جهان اسلام، عمدتاً به ابتکار محیی الدین ابن عربی شکل گرفت و از آن زمان تاکنون در حوزه های معنوی و حکمی اسلامی مطرح بوده است. این علم عهده دار ارائه جهان بینی عرفانی است و در آن یافته های شهودی عرفا تجزیه و تحلیل و احیانا بر دعاوی آنان استدلال عقلی یا نقلی می شود. اما استخراج یک جهان بینی نظری از تجربه های عرفانی، هنگامی میسر است که اولاً شهود عرفانی را ممکن بدانیم؛ ثانياً فی الجمله برای آن اعتبار و حجیت قائل باشیم؛ ثالثاً به توانمندی عقل بر فهم شهودهای عرفانی معتقد باشیم؛ رابعاً تجربه عرفانی را قابل توصیف و بیان بدانیم. اینها از مهمترین پیش فرض های امکان عرفان نظری است. اما این پیش فرض ها چه از سوی برخی از عرفا و چه از طرف برخی فلاسفه در شرق و غرب، همواره مورد مناقشه بوده است. بنابراین، امکان عرفان نظری به عنوان یک علم، وابسته به اثبات این پیش فرض ها است. مفروضات مزبور از مبادی تصدیقی عرفان نظری است که باید در «فلسفه عرفان نظری» تحقیق شود. از سوی دیگر، از آنجا که عرفان نظری و فلسفه اولی، مسائل مشترک بسیاری دارند، توجیه علمی همچون عرفان نظری، در گرو پاسخ به این پرسش است که تفاوت عرفان نظری با فلسفه اولی، به ویژه فلسفه هایی که رنگ و بوی عرفانی دارند، چیست.

کلمات کلیدی:

عرفان نظری، تجربه عرفانی، امکان شهود، حجیت شهود، وراي طور عقل، بیان ناپذیری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1399114>

